

روزنامه سراسری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرایوب پیرایش قهوه چی
نشانی دفتر تبریز: خیابان امام خمینی(ره) - کلانتر کوچه -
کوچه ششم پلاک ۶۱ - طبقه اول
تلفن: ۳۳۳۰۲۷۷۴ (۰۴۱) و ۳۳۳۰۲۷۷۹ (۰۴۱)

تلفکس: ۳۳۳۰۲۷۵۱ (۰۴۱)
آدرس پست الکترونیکی: amine.mardom@yahoo.com
نشانی دفتر تهران: خیابان کارگر - نرسیده به چهارراه لشکر
روبروی ساختمان پست - پلاک ۸۵۱ طبقه سوم - واحد ۶
تلفن: ۶۶۴۹۴۳۱۸ (۰۲۱) و ۶۶۴۹۴۳۹۱ (۰۲۱)
چاپ: چاپ سبز



یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵ / ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 20 September ۲۰۲۶ / شماره ۷۳۱۲ / سال بیست و نهم

بازی‌های آسیایی ناگویا؛ قصه نفس کشیدن سنت در کنار مدرنیته



بیستمین دوره بازی‌های آسیایی رسماً افتتاح شد.
ناگویا در نخستین مواجهه، شهری با نظم و فناوری به نظر می‌رسد؛ اما تجربه حضور در این شهر همزمان با بازی‌های آسیایی نشان می‌دهد که در کنار پیشرفت‌های فناوریانه و شبکه حمل‌ونقل دقیق، سنت‌ها و فرهنگ اجتماعی ژاپن همچنان در زندگی روزمره مردم حضور پررنگی دارد. بازگشت کیف گمشده در مترو بدون کم شدن وسایل آن تا دقت و نظم چشمگیر در سیستم حمل‌ونقل عمومی.
گزارش مرتضی رضایی، خبرنگار اعزامی به ناگویا؛ ورود به ناگویا با یک اتفاق غیرمنتظره و پراسرس آغاز شد. یکی از اعضای گروه هنگام جابه‌جایی با مترو، کیف خودش را جا گذاشت؛

اولین پیام قلعه‌نویی بعد از جام جهانی؛ تغییر نسل بالاخره شروع شد؟



جام جهانی، هشت نفر همچنان در اردو حضور دارند؛ علیرضا بیرانوند، سیدحسین حسینی، پیام‌نازمند، احسان حاج‌صفی، شجاع خلیل‌زاده، صالح حردانی، رامین رضاییان و آریا یوسفی. در مقابل، نام‌هایی مانند محمدحسین کنعانی‌زادگان، روزبه چشمی، مهدی ترابی، علی‌علیپور و شهریار مغاللو در فهرست داخلی دیده نمی‌شوند. البته دو غیبت مهم را نباید به حساب خروج از چرخه تیم ملی گذاشت؛ دانیال ایری و امیرمحمد رزاقی‌نیا این روزها همراه تیم امید در بازی‌های آسیایی ناگویا حضور دارند و اساساً در اختیار کادر فنی بزرگسالان نیستند.
بخش جذاب فهرست، نام‌های جدید آن است. محمد نادری، عارف آغاسی، سامان فلاح، محمدمهدی زارع، میلاد سورگی، عارف حاجی‌عیدی، مهدی لیموچی، محمدمهدی محبی و امیرحسین محمودی، مهم‌ترین چهره‌های تازه این اردو هستند. در میان آنها، میلاد سورگی بیش از همه جلب توجه می‌کند؛ هافبک ۲۴ ساله‌ای که با عملکرد خوبش در شمس‌آذر، نخستین دعوتش به تیم ملی بزرگسالان

اولین فهرست تیم ملی فوتبال ایران پس از جام جهانی ۲۰۲۶ را نمی‌توان صرفاً یک لیست معمولی برای دو بازی دوستانه مقابل ازبکستان و روسیه دانست. این فهرست، نخستین تصویر از تیمی است که امیر قلعه‌نویی قرار است در دوره پس از جام جهانی بسازد؛ تیمی که هنوز ستون‌های باتجربه‌اش را حفظ کرده، اما نشانه‌هایی از ورود نسل جدید هم در آن دیده می‌شود.
قلعه‌نویی برای این اردو ۱۸ بازیکن داخلی را دعوت کرده است؛ فهرستی که در آن نام بازیکنان باسابقه جام جهانی کنار چند چهره تازه‌وارد و چند بازیکنی قرار گرفته که پیش از این هم در اردوهای ملی حضور داشته‌اند. همین ترکیب، مهم‌ترین پرسش این روزهای فوتبال ایران را دوباره مطرح می‌کند؛ آیا روند تغییر نسل بالاخره آغاز شده است؟

فهرست ۲۶ نفره ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ یکی از باتجربه‌ترین ترکیب‌های سال‌های اخیر بود. احسان حاج‌صفی ۳۶ ساله، شجاع خلیل‌زاده ۳۷ ساله، رامین رضاییان ۳۶ ساله، علیرضا جهانبخش، مهدی طارمی و علیرضا بیرانوند ۳۳ ساله، بخش مهمی از هسته اصلی تیم را تشکیل می‌دادند؛ تیمی که میانگین سنی آن بر اساس فهرست رسمی فیفا، حدود ۳۰ سال بود. حالا در نخستین فهرست پس از جام جهانی، میانگین سنی ۱۸ بازیکن داخلی به حدود ۲۸.۷ سال رسیده است؛ یعنی حدود ۱.۴ سال کمتر از ترکیب جام جهانی. این کاهش شاید در نگاه اول بزرگ به نظر نرسد، اما وقتی بدانیم سه دروازه‌بان باتجربه، حاج‌صفی، خلیل‌زاده و رضاییان همچنان در فهرست حضور دارند، معنای این تغییر روشن‌تر می‌شود؛ قلعه‌نویی بدون کنار گذاشتن کامل ستون‌های قدیمی، چند مهره جوان را هم وارد چرخه کرده است.
از میان بازیکنان داخلی حاضر در

چشم می‌آید؛ نظامی که در خیابان‌ها، فضاهای عمومی و به‌ویژه سیستم حمل‌ونقل قابل مشاهده است.

مترو یکی از اصلی‌ترین ابزارهای جابه‌جایی در ناگویاست و بخش مهمی از رفت‌وآمد روزانه شهروندان از طریق شبکه حمل‌ونقل ریلی انجام می‌شود. دقت زمانی، نظم ایستگاه‌ها و هماهنگی در رفت‌وآمد قطارها از نکاتی است که برای مسافران خارجی بیش از همه جلب توجه می‌کند. به خصوص وقتی پای قیاس به میان می‌آید!

ناگویا در مجموع، تصویری از ژاپن معاصر ارائه می‌دهد؛ کشوری که توسعه فناوری و زیرساخت‌های مدرن را در کنار حفظ بخشی از سنت‌ها و الگوهای فرهنگی خود پیش برده است. همین همزیستی میان گذشته و آینده، یکی از نخستین ویژگی‌هایی است که در مواجهه با زندگی روزمره این شهر به چشم می‌آید.

شده و بازیکنانی مانند محمد خلیفه، امین حنابوی، مسعود محبی، دانیال ایری، امیرمحمد رزاقی‌نیا، اسماعیل قلی‌زاده، امیرحسین حسین‌زاده، سعید سحرخیزان، رضا غندی‌پور و کسری طاهری در اختیار آن تیم هستند. برگزاری هم‌زمان بازی‌های آسیایی با فیفادی، عملاً دست قلعه‌نویی را برای استفاده از بخشی از استعدادهای جوان بسته است؛ موضوعی که باعث می‌شود فهرست فعلی، تصویر کاملی از پروژه تغییر نسل نباشد.

یک نکته مهم دیگر هم وجود دارد؛ این فهرست فقط شامل بازیکنان داخلی است و هنوز نام لژیونرها اعلام نشده است. بنابراین میانگین ۲۸.۷ سال را نمی‌توان میانگین قطعی تیم ملی در این اردو دانست؛ چرا که حضور چند لژیونر باتجربه می‌تواند دوباره این عدد را افزایش دهد. در واقع، فهرست جدید را باید بیشتر یک نشانه دانست تا یک نتیجه قطعی.

دعوت از بازیکنانی مانند زارع، فلاح، سورگی، لیموچی، محبی و محمودی در کنار حفظ چهارچوب باتجربه تیم، نشان می‌دهد نخستین قدم در مسیر انتقال نسل برداشته شده است. اما جوانگرایی واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که این بازیکنان فقط برای تکمیل فهرست دعوت نشوند؛ بلکه فرصت بازی، حضور مستمر در اردوها و نقش واقعی در ساختار تیم ملی پیدا کنند. پاسخ نهایی این پرسش که آیا قلعه‌نویی واقعاً مسیر تازه‌ای را آغاز کرده، نه در همین فهرست، بلکه در چند فیفادی آینده مشخص خواهد شد. فعلاً تنها چیزی که می‌توان با اطمینان گفت این است که نخستین پیام تیم ملی پس از جام جهانی، با چند نام تازه و عددی که کمی پایین‌تر آمده، از آغاز آرام یک تغییر خبر می‌دهد؛ تغییری که هنوز برای تبدیل شدن به یک دگردیسی کامل، به زمان و فرصت بیشتری نیاز دارد.

PDF Compressor Free Version

ذکر روز یکشنبه

یا ذالجلال والاكرام
ای صاحب شکوه و بزرگواری

درگذشت بنیان‌گذار کتاب‌شناسی ایران (۱۳۵۹ق)
آغاز حملات شاه عباس صفوی برای تصرف آذربایجان (۱۱۰۱ق)
پایان محاصره‌ی شهر تبریز در جریان نهضت مشروطیت (۱۳۲۷ق)
اختراع اتوبوس بخار توسط «دودون براز» مبتکر انگلیسی (۱۸۲۱م)
آغاز سفر تاریخی «فرناندو مازلان» دریانورد و متکشف بزرگ پرتغالی (۱۵۱۹م)

آیا هنگامی که امام جماعت در حال خم شدن برای رکوع است اما به حد رکوع نرسیده، می‌توان اقتدا کرد؟
در رکعت اول و دوم اشکال ندارد، ولی در رکعت سوم و چهارم، احتیاط این است که صبر کرده و در رکوع اقتدا کند.

امام صادق علیه السلام

الْمَوْلُودُ إِذَا وَلَدَ يُؤَدُّ فِي أَذْنِهِ الْيَمْنَى، وَ يَقَامُ فِي الْيُسْرَى.

فرزند که به دنیا آمد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفته می‌شود.

داستان دنباله دار

ساغر قسمت بیست و یکم سعیده پیرایش

آبرومند و مرتب ظاهر شود، سراغ قواره پارچه‌ی اعلایی رفت که مادر خودش با هزار امید و محبت، برای دوختن چادر مجلسی به او هدیه داده بود. تقریباً دو روز تمام، هر دقیقه‌ای را که از چنگ کارهای خانه و بچه بیرون می‌کشید، پای چرخ نشست. سوزن زد، پرو کرد، مغزی‌دوزی کرد و با تمام ظرفیتش یک مانتوی مجلسی مشکی و فوق‌العاده شیک دوخت. کار تمام شده بود، اما برای آنکه خط اتوی تیغی و ایستایی بی‌نقصی پیدا کند، حتماً باید دست یک اتوکار ماهر در خشکشویی می‌افتاد.

در اولین فرصت مانتو را با وسواس به خشکشویی سپرد. روز بعد، وقتی خسته از خانه‌ی مادر شوهر بر می‌گشتند، کنار مغازه به شهاب اشاره کرد که نگه دارد تا مانتو را تحویل بگیرند. کاور نایلونی را که کنار زد و مانتو به دستش رسید، بند دلش پاره شد؛ لبه‌ی پایین کار در اثر حرارت و حشایشانی اتوی بخار جمع شده، تاب برداشته و الیافش سوخته و برق افتاده بود.

با بغض و نابوری مانتو را جلوی چشم‌های شهاب گرفت و با صدایی لرزان التماس کرد: «شهاب... ببین چیکارش کرده! تو رو خدا برو تو، بهش اعتراض کن... بگو این کار نوتنه، مگه حواسش کجا بوده؟»

اما شهاب با بی‌خیالی محض حتی سرش را نچرخاند؛ لبخند و مسخره‌ای روی لبش ماسید و گفت: «اتفاقا خودش نشونم داد، گفت اتو داغ بوده این‌طوری شده. منم گفتم فدای سرت، عیبی نداره!»

... در حالی که در گذشته، برای یک املت پختن شهاب، اول باید تمام کائنات بسج می‌شدند؛ گوجه‌ها شسته، پوست‌کنده و پیازها تفت‌داده رو به‌رویش قرار می‌گرفت تا آقا فقط با رستی شاهانه دو تا تخم‌مرغ رویش بشکند! و بعد؟ کوهی از کاسه‌ها، بشقاب‌ها و قابلمه‌هایی که معلوم نبود به چه جرمی کثیف شده‌اند در سینک می‌ماند تا ساغر بشوید. شاهکار ماجرا اما هفته‌ی بعدش بود؛ شهاب تا هفت روز در هر جمع و مهمانی با نیش و کنایه داد سخن می‌داد که: «زن‌های امروزی دیگه به نیمرو هم جلوی شوهرشون نمی‌ذارن... خودم آگه دست به کار نشم، این بچه شهاب‌گرسته می‌خواه!»
دوباره ششمش روی سطح خلوت و صیقلی میز خیاطی چرخید؛ جایی که این روزها خالی از پارچه‌های رهاشده بود. با خودش فکر کرد که حالا اگر در چرخ را باز می‌کرد و چیزی می‌دوخت، خستگی‌اش با نگاه پر از ذوق، تحسین و تشکرهای از تعدل کمال درمی‌رفت؛ نه با طعنه و زخم‌زبان.
همین تلنگر، پرده‌ای از گذشته را کنار زد و خاطره‌ای تلخ مثل زهر در خاطرش دوید.
آن روزها یکی از اقوام دور فامیل همسرش فوت کرده بود و ساغر ناچار بود برای مراسم عزاداری و رفت‌وآمدهای مداوم، بی‌دری به خانه مادر شوهرش برود. مادر شوهری که هیچ‌وقت چشم دیدن ظاهر او را نداشت و همیشه با نگاهی سرتاپایی و با کنایه از سر و وضع عرویش ایراد می‌گرفت. ساغر برای اینکه این بار دهان همه را ببندد و